



عصر ۳ شنبه

۲۵ بهمن ماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۷ شعبان ۱۳۰۵
مجلس مطرح شود
لایحه تاسیس بانک

Table with 3 columns: Type (نوع), Buy (خرید), Sell (فروش). Lists various goods like silk, cotton, and their prices.

مشاجرات در مجلس ... رای اعتماد بگابینه جدید

مجلس شورای ملی

جلسه ۶۳

مورخه سه شنبه ۲۵ بهمن ماه ۱۳۰۵
مجلس دو ساعت و ربع بظهور بریاست
آقای پرنیا تشکیل گردیده صورت جلسه
قبل قرائت و تصویب شد
قبل از دستور

افسر - اگرچه بنده شخصا چندین
معتقد به مذاکرات قبل از دستور نیستم
ولی متاسفانه مجبورم قاع قبل از دستور
و مبارزه بمثل نموده و مخصوصا سوء
نفاهااتی که ممکن است بشود مرائع نمایم
عرض اول بنده راجع به مذاکرات نمایندگان
ولایات است که جلسه قبل هم اظهار می
داشتند - هر وقت وکلای ولایات راجع
بمعارف یا صحنه و غیره میخواهند صحبت
کنند در خارج و داخل مجلس اشکالاتی
برای آنها پیش می آورند و میکویند
که نمایندگان ولایات نظریات خصوصی دارند
نسبت بمرکز این قبیل ایرادهای نهی
برای نمایندگان ولایات که مستعجابات و شروعی
دارند انداخته میشود و آنها را از عقب
منظور خود که اصلاح معارف یا صحنه و
با کارهای دیگر است - و امیدارم در جلسه
گذشته آقا سید یعقوب و امامی راجع به
معارف ولایات مذاکرانی میکردند مقصود
آنها و مقصود ما اعتراض نسبت بمرکز
که چرا اشکالات مرکز خبلی است نسبت مقصود
ما این است که توجیه هم بولایات نمایند
چرا ولایات باید اینقدر از همه چیز عقب
باشند بیست سال است که از مشروطه
میکزرد بالاخره بک وقت هم باید بود و
عقب هائی که میدادیم عمل کنیم -
امیدواریم دولت حاضره توجه خاصی باین
نکات بنمایند

عرض دوم بنده راجع به مذاکرانی
است که آقای یاسائی در جلسه قبل راجع
به عدلیه نمودند در خارج گفته میشود که
مجلس تمام بیانات یاسائی را تصدیق
کرده است تمام بیانات عدلیه که ایشان
اظهار داشتند همانطور بوده است در
سورپسکه این قضیه در دستور نبوده که
بریک از نمایندگان نظریات خودشان را
گفته باشند ممکن است بعضی از وکلا
ظرفیاتی غیر از عقبه ایشان داشته باشند
که چیز دیگر هم در خارج گفته شد که
خیال دارند تمام اجزاء عدلیه را عوض
کنند در صورتی که اینطور نیست البته
صلاح خواهد شد ولی منوط به این نیست
که اعضای آن بکلی تغییر پیدا کند یقین
اریم اشخاص پاکدامن و فاضلی هم در
دلایه هستند البته آنها را در نظر خواهند
گرفت - در قسمت توضیحی هم که راجع به
آقا سید ضیاء الدین دادند اینطور نیست
که در دوره چهارم ایشان را به مجلس
رفسی میکردند معلوم میشد چند رای
بتناء خواهند داشت یا امروز مثلا اگر
اه او را معرفی کند خواهد دید چند

رای دارد اینها چیزهایی نیست که در
مجلس مطرح شود
لایحه تاسیس بانک
رئیس - قبل از اینکه وارد دستور
شوند لازم است عرض کنم که میرزا
عبدالله خان و قوق از عضویت کمسیون نظام
استعفا داده اند و بجای ایشان باید یک
نفر انتخاب کرد

لایحه بانک از ماده پنجم مطرح است
در این ماده پیشنهاد دانی واصل گردیده
که قرائت و بقابل توجه بودن آنها برای
گرفته میشود
مخیر کمسیون تقاضا کرد پیشنهادانی
که در ماده پنجم رسیده چون زیاد است
ارجاع بکمسیون کرد که مطالعات لازمه
بشود و فعلا آن سه ماده اولی که بگفتند
مراجعه و خیرش حاضر است مطرح
کرد

رئیس - بر حسب تقاضای مخیر
کمسیون ماده پنجم با پیشنهادات بکمسیون
اوجاع شده سه ماده اول و دوم و سوم این
لایحه مطرح میشود
ماده اول - دولت مکلف است برای
پیشرفت امر تجارت و فلاح و صناعت
بانکی موسوم به بانک ملی ایران
تاسیس نماید که مرکزش در طهران و
شعب آن متدرجا در ایالات و ولایات و
ممالک خارجه دایر خواهد شد

فرمند مخالف اظهار داشت تاسیس
این بانک در درجه اول باید برای توسعه
فلاحت مملکت باشد زیرا مملکت ما مملکت
فلاحتی است و در درجه دوم برای توسعه
صناعت است و عقبه دارم قسمت تجارتی
باید حذف شود و بنده با این سه ماده
مخالفم

تفهیمی مخیر کمسیون اظهار داشت
مقصود عمده از تاسیس بانک همان موضوع
تجارتی است و وظیفه عمده بانک مسئله
تجارت است صرفا هم البته ضمیمه آن
است بهتر این است آقای فرمند مخالفت
خودشان را پس بگویند

اظهار شد مذاکرات کافی است
آقا سید یعقوب مخالف و اظهار داشت
اما از اول قضیه را بقدری بزرگ میکشیدیم
که عملی نشود این عیارت که اضافه شده است
در ممالک خارجه هم بانک تاسیس شود
چیزی نیست که باین زودی عملی شود
ما هنوز اطمینان نداریم که در ولایات
هم شعبه تشکیل شود

مخیر کمسیون اظهار داشت حالانی
خواهیم فورا در تاسیس شعبه بانک در
خارجه اقدام کنیم این تفریحی که
اینجا شده برای این است که دولت
دستش باز باشد
بکفایت مذاکرات رای گرفته تصویب
و پیشنهادات واسطه در ماده اول قرائت
شد ( در اینصورت آقای رئیس الوزراء
و وزراء در جلسه حضور یافتند )
فرمند پیشنهاد کرد کله تجارت
حذف شود ولی قابل توجه نشد

انالله وانا الیه راجعون

نظر بقوت مرحومه مفوره حاجیه شاهزاده خانم والده ماجده آقا بان
حسنعلی میرزا (رئیس محکمه تجارت) و شاهزاده محسن میرزا و شاهزاده غلامحسین
میرزا از دو ساعت بعد از ظهر سه شنبه دوازدهم ناظر چهار شنبه سیزدهم شهر
جال مجلس ترجم آن مرحومه در مسجد حاج ابوالحسن قرب امام زاده یحیی ۴
منفرد خواهد بود
نمره اعلان ۲۹۲

میکنیم بعد در عالم ظاهر آن اشکالات
ارفع میکنیم بعد در موقع عمل می بینیم
آن اشکالات خیالی مورد عمل پیدا نکرد
مانند بعضی اشکالات در مورد عمل چهاره اشکالات
شدیم بجای رفع آن مشکلات از آن
موضوع صرف نظر میکنیم این تخصصی
است که در ملل شرقی است بر عکس
سایر جاها که در موقع که با مشکلات
تصادف می کنند مقاومت میکنند برای
رفع آن منظور و مشکل - آقا سید یعقوب
فرمودند برای فروش خالصجات سهم
های خسار داری کشیده شده نیاید چلو
رفت بنابر این باید دست نزد هنر در
این است که آن سهم هنای خار دار را
پاره کنیم و بجای یک قدم عقب دو قدم
چلو برویم بنده معتقد هستم وقتی تصدیق
شد که فروش خالصجات نافع است باید
اهتمام کرد برای رفع مشکلات - اما
راجع به جواهرات که بامداد فرمودند -
جواهرات برای روز میادا است - در
این جا هم اشتباه شده است یک قسمت
عیارت از جواهراتی است که اقوامه
سلطنتی است و این اقوامه همیشه باید
محفوظ باشد و بهیچوجه کسی معتقد نیست که
آنها بفروش برسد این جواهراتی که مقصود
فروش آنها است این مقدار جواهراتی
است که در تاریخ اوزار ایران در خزانه
جمع آوری شده و اگر مقداری هم بگذرد
فاسد میشود بنابر این هر چه زودتر آنها را
بصرف رسانند و از پول آن مملکت
استفاده کنند البته بهتر است - اولاین
جواهرات برای روز میادا است و امروز
هم روز میادا است (صحیح است) چیزی
که هست فروش جواهرات در موقع فرصت
باید باشد نه در مواقع اضطرار و امروز هم
روز میادا ولی موقع فرصت است بنده
عقبه دارم در اصول وقتی موافقت نظر
احاصل میشود دیگر زیاد مذاکره نمایانند
در قسمت دیگر هم که نسبت به محل اعتبار
بانک مخالفت میشود این اعتباری است
بدولت داده میشود اگر آن محل تهیه
نشد یعنی فروش خالصجات و جواهرات
تصویب نشد دولت مجبور است محل دیگری
را به مجلس پیشنهاد نماید که بانک بجزایان
عادی خود سیر کند

مذاکرات را کافی داشته
یاسائی پیشنهاد کرد در ماده دوم
بجای تقدیم لوائح علیحده نوشته شود
بموجب قانون فروخته خواهد شد -
این پیشنهاد را مخیر کمسیون پذیرفت
سایر پیشنهادات قرائت و بهیچیک قابل توجه
نکردند
افسر پیشنهاد کرد در ماده دوم نیز به شود
فروش جواهرات و فروش خالصجات علیحده
رای گرفته شود

وزیر مالیه - همانطوری که آقای
مخیر فرمودند و لایحه از طرف دولت تقدیم
مجلس شده و هیچ مانعی نیست و چه که از این
دو محل تهیه میشود تخصیص به بانک
داده شود ولی فرض میکنیم اگر فروش
خالصجات و جواهرات عملی نشد و فروخته
نشد آیا بانک تاسیس نشود در صورتیکه
این کار عملی نشود باید دولت محل
دیگری فوراً تهیه نماید بنا بر این تصور
میکنیم جای مشاجره و مخالفتی در این
لایحه نباشد
بامداد با فروش جواهرات مخالف و
عقبه داشت حالا که جواهرات را محل
سرمایه بانک میخواهد قرار دهد بهتر
این است که جواهرات فروخته نشود و
عین جواهرات اعتبار و سرمایه بانک قرار
داده شود
وزیر معارف - فروش خالصجات
در مرحله اولی تصور میکنم یکی از
موضوعاتی باشد که خیلی ها معتقد باشند
هر چه زود تر عملی بشود یک عیب و یا
حسن بنظر شده عیب در ماه است و آن
این است که در هر اقدامی که میخواهیم
بکنیم اولاد باطل خیال یک اشکالاتی را حذف



موجب رضا است پس از آن پروگرام راضی بوده اند و حقیقت هم مختصر و مفید و به موقع عمل در آمد پس این سابقه بوده است خواستم عرض کنم آقایانی که می آیدند صحبت بکنند این سابقه را در نظر داشته باشند - در اینجا میخواهم عرض کنم آقای رئیس الوزرا بهتر این است این پروگرام خودشان بگیرند و پروگرام جدیدی تقدیم مجلس نمایند این اشراهم عرض میکنم یکی اینکه چهار نفر از آقایان وزیران است کابینه وزرای جدید هستند و از مجلس خارج شده اند این چهار نفر که آقایان ندین - داور - فیروز میرزا و فاطمی است به پیوسته از ترس این پروگرام اطلاع ندارند و در نظام آن شرکت نداشته اند یکی دیگر هم آقای فروغی است که در موقعی که پروگرام کابینه پیش تهیه میشد ایشان اصلا در ایران نبودند رفته بودند اروپا در تمام دوره کابینه هم رنگ ایشان را ندیدیم (خنده) پس گمان میکنم اکثریت آقایان از مواد پروگرام مطلع نباشند و هیچ نمیدانند مواد آن چیست زیرا تحت نظرشان نبوده است و این چهار نفر آقایان که عرض کردم و الله در کابینه نبودند (خنده) دلیل دیگر این است که این چهار نفر که آن وقت در مجلس بودند قسم میخورند دو نفر آنها اصلا رای به پروگرام دولت نداده اند صورت مجلس حاضر است به ویرید بخوانید به پیوسته همین طور نیست؟ آقای ندین هم بمناسبت اینکه رئیس بودند رای نداد آقای داور هم درست نظرم نیست که در مسافرت بودند یا اینجا و رای داده اند یا خیر شاید ایشان هم رای نداده باشند (شیرونی) رادیکال ها عموماً رای داده اند و موافق بوده اند آقای فروغی هم که نبودند و هیچ از پروگرام هم مطلع نبودند و بعد از اروپا آمدند و گمان نمیکنم پروگرام بهرستان رسیده باشد و شاید کم کم از وکلا شنیده اند (خنده) بنا بر این اکثریت آقایان از پروگرام اطلاع ندارند و باید تجدید نظر بتوسط یک ماده ای هم هست که باید پروگرام اضافه شود که مجلس فوق العاده علاقمند است و آن تجدید کتورات امریکائی ها است (صحیح است) بنده با اینکه خیلی در اقلیت هستم ولی عقیده اکثریت مجلس رای میدهد ولی عقیده دارم این قضیه باید حتماً در پروگرام دولت قید شود (صحیح است) یکی از عرایض دیگرم راجع به دستور مطبوعات است نه مطبوعات مرکز بلکه همه ولایات آقایان تمام مطبوعات تحت سانسور است ببینید نمجب اینجاست که معاون وزارت داخله در همین مجلس اظهار میکنند بن خیر ندارم و خنده همه میدانند خط سانسور بی پر را همه دیده اند خنده آنوقت معاون وزارت داخله در این جا می گوید من اطلاعی ندارم آقایان مطبوعات شما پس از بست سال مشروطیت هنوز سانسور میشود تمام مطبوعات سانسور میکنند بلکه هر سطر که جمله به وکلای مجلس باشد سانسور نیست ولی هیچکس نمیتواند عیانت دولت را نقیض کند : میگذارد راجع به دولت چیز بنویسد اگر سانسور نمیشد ما بطبع میپوشیم که هر اسله از طرف دولت بگمانی فقط جنوب نوشته شده با تصویب نامه هائی برای اشرا صادر گردیده و تمام این کارها را اطلاع پیدا میکنیم - بلکه ما بدبخت ها و وکلاء اما نه شما که اکثریت دارید دولت را در (خنده) یکی از آن مسائل این پروگرام را تحت نظر در آورده و با آورد خیال بود که دولت پروگرام خودش را ببرد و در این بکنند بردن پروگرام مانع از کار دولت میشود خبر هیچ مانعی نیست آقای داور الان عدله را منحل کرده که تشکلات برده اند هیچ مانعی در بین نیست برای اصلاح الحقه هم مانع نیست همیشه منظور آقای

وزیر معارف معاون خود را عوض کردند و سایرین همین طور پس به پیوسته پروگرام مانع پیشرفت کاران نمیشود - هنوز آقای ندین میگویند عقیده من این است تصور میکنم مجلس است نمیکویند عقیده دولت (خنده) - دولت باید پروگرام خود را تغییر دهد راجع با اقتصادیات هم چیز هائی لازم است اضافه شود منجمه این لایحه تجلی است که میخواهند برای بگردن این ملت بگذارند و میگویند حال که وزراء به پیوسته شریک در نوشتن مواد آن پروگرام نبوده اند بطور مشورت همان پروگرام را قرارداد من بنام حق و عدالت و بنام حفظ آزادی و حقوق نمایندگان خود و بنام حفظ اقلیت تقاضا میکنم دولت همین جا پروگرام خود را بگذرد و پروگرام را تحت چهار ماده مختصر به مثل مرام نامه بنویسد تجدید کتورات امریکائی ها را هم ضمیمه کند و بیاورد - پروگرامی که بنویسند میخواهم شرق و غرب مملکت را بهم متصل کنیم و هیچ دیده نشود (خنده) من الان در کاغذ های خود میگردم پروگرام را پیدا کنم (در حالی که کاغذها ایشان روی زمین پخش بود هم صحبت میکردند و هم جستجوی پروگرام را می کردند و این قضیه باغ خنده طولانی مجلس شده بود (یکی از وکلای بنده دارم) بدبخت بیاورند بله میخواستم عرض کنم یکی از مواد پروگرام راجع بحفظ روابط دوستانه با دولت متحابه است (عمادی) پروگرام مطرح نیست (مجلس اجازه داده است من که گفتم شما رای نان قاطع است شما اکثریت دارید ولی شما سبابت دارید با من کم کتیب حالا که درات باشما حسن عقیده داردم با من سوء عقیده داردم (خنده) یک ورقه پروگرام از طرف هیئت رفیقه ایشان داده شد) بله این ماده اول است (رئیس) استیضاح میخواهد بکنید؟ زنك (آقا سید یعقوب) - خیر (رئیس) پس از موضوع خارج است زنك (....) ها اول خفه شدن است (خنده) بشما خوب من هم حرف خردا نمیزنم - فقط می گویم در موقعی که پروگرام را می نوشتند این آقایان نبودند و استیضاح دارم دولت پروگرام خود را بگرد و تجدید نظر نموده پروگرام جدیدی بدهند - بنده پیش از این خاطر رئیس را مگر نمیکند دیگر عرض نمیکنم ولی مطمئن هستم و بدانم این کابینه هم غیر از نوشتن آن رساله و تصویب نامه چیز دیگری نیست عوض شده همان کابینه است و بدبختی ها

رئیس الوزرا - آقای آقا سید یعقوب کوبا از آن نکته غمت فرمودند که پروگرامی که تقدیم مجلس من شود باید موافقت نظر آن دولتی را که آن پروگرام را تقدیم می کنند جلب شده باشد و موافقت داشته باشند و این دولت حاضر هم بنده که آن پروگرام را تقدیم کردم و این آقایان عموماً موافقت نظر کرده بودند و این قضیه هم سابقه داشته است آقایان که در ادوار گذشته بوده اند می دانند سابقه داشته است که بمجلس می داده اند و امروز هم همکار های من همان پروگرام را تصدیق داشته و قبول دارند ولی در این جا بسته بنظر مجلس است که آیا آن سابقه را اهمیت می دهند یا خیر - اگر چه تکرار لازم نیست ولی باز عرض می کنم دولت همان پروگرام سابق را تصدیق کرده و اگر موادی لازم داشته باشد بطور لایحه در ضمن عمل خواهد داد - هیچ دولتی نمیتواند تمام احتیاجات خود را در مدت عمر یک کابینه بتواند پیش بینی و در پروگرام قید کند ممکن است چیز هائی در عمل پیش نیاید که محتاج به لایحه باشد و البته هم پیش خواهد آمد و لایحه هم ولت خواهد آورد بنابر این پروگرام فعلاً همان پروگرام است و

سابقه هم داشته و رد کردن این سابقه بسته بنظر مجلس است هر طور صلاح می دانند وزیر مالیه - اگر چه بنده بعد از فرمایشاتی که آقای رئیس الوزرا فرمودند دیگر مورد ندارد عرض بکنم ولی چون آقا سید یعقوب در ضمن مطالبی راجع بنده و بعضی همکاران بنده گفتند لازم بود عرض کنم اولاً بر خاطر نمایندگان محترم پوشیده نیست که یکی از اصول اولیه حکومت ملی و مشروطیت این است که اقلیت و تابع اقلیت دولت همیشه محترم بوده و آزاد باشند البته نقیض خویش از میبایست چیز هائی طبعی که نگذردش لازم است و ما هم که روی آن اصول میخواستیم برویم هیچ مگر نخواهیم شد و آقایان اظهارات خودشان را به گویند البته آنچه صلاح مملکت باشد در نظر گرفته خواهد شد نه ما و نه آقایان نمایندگان کابینه و رئیس الوزرا فرمودند وقتی که رئیس دولت پروگرامی را میدهد تمام اعضاء کابینه با آن پروگرام موافقت دارند و نمی بایند بدی داشته باشند و این هم رویه بدی نیست بلکه رویه خوبی هم هست برای اینکه پروگرام همیشه در اغلب مواردش چیز های کلی در نظر گرفته می شود - این پروگرامی بوده است که مورد بحث واقع شد مجلس رای داده اگر اشخاصی در آن موقع شرکت نداشته و حالا عقیده پیدا کرده اند بعقیده بنده ابزادی وارد نیست - اینک اشاره کردند چند نفر از ما ها در مجلس بودیم و با پروگرام دولت مخالف بوده ایم این طور نیست اشتباه است (سید یعقوب) - بله همین طور است رای ندادید ( برای اینکه رئیس مجلس که نمیتوانست اظهار عقیده کند آقای داور هم خرد یکی از مدافعین پروگرام بود آقای فاطمی و بنده امتناع کردیم و هیچ رای ندادیم امتناع مخالفت نیست علی الخصوص رویه ما در لوایح دولت همیشه این بوده است که مدافع بوده و رای میداده ایم و این قضیه خوب نشان میداد موافقت ما را (آقا سید یعقوب) مسئله استیضاح را جرائمی گرفتید که اعضاء کردیم (همین طور که اشتباه شد و آقای رئیس الوزرا فرمودند این اظهار دولت مبنی بر سابقه بوده است مانعاً اظهار عقیده بکنیم - سابقه را ما هم فرموده و روی آن سابقه عقیده داشته ایم حالا بسته بنظر مجلس است - بعلاوه آقا سید یعقوب میفرماید در هر موقع که دولت چیز هائی مخالف نظریه ایشان بمجلس آورد سؤال بکنند استیضاح بکنند در نظامنامه خیلی راه باز شده است باقسام مختلف برای آقایان راه باز است و آقا سید یعقوب مخصوصاً استیضاح (خنده) و ما همیشه برای جواب سئوالات آقایان حاضر خواهیم بود پیشنهاد شد جلسه ختم شود آقا سید یعقوب اظهار داشت مخالفیم - وزیر معارف - عرض دارم - رئیس - در این قسمت است وزیر معارف بله وزیر معارف - اگر چه يك قسمت مذاکرات آقا سید یعقوب جنبه شخصی و خصوصی داشت و البته موقع گذشته است و جواب آنها را بدمه واگذار میکنم فعلاً بنده با پیشنهاد ختم جلسه مخالفم بنده در هیئت دولت کاملاً متعقد هستم که اصول مثل پارلمانهای دنیا در مجلس شورای ملی باید محفوظ بماند اینجا مذاکراتی شد که سابقه محفوظ هست یا خیر؟ - به عقیده بنده این قضیه در انهام مانده است این قضیه باید برای دولت روشن شود و اگر دولت اکثریت دارد بمانیم و اگر اکثریت ندارد برویم - مجلس اگر رای بدهد که آن سابقه صحیح است که هیچ و الا باید معلوم شده و رای گرفته شود - مجلس اگر رای داد که پروگرام جزو دستور باشد باید تحت شور قرار گیرنده

غیب گوئی بشود - غیر از ائمه اطهار و چهارده معصوم کسی از آینده و غیب خبر ندارد شما مگر غیب میدانید (آقا سید یعقوب) - خیر غیب نمیدانم دلیل میگویم (وزیر معارف) - باحال عصیانی (شما حق حرف زدن ندارید - مطابق نظامنامه شما نمیتوانید حرف بزنید (زنك رئیس) (آقا سید یعقوب) - انتظام اینجا با رئیس مجلس است آقای رئیس چرا انتظام نمیدهد چه چیزی دارند تیر میکنند اظهار با شما است نه با ایشان (بچه جفت) (زنك رئیس) - آقا سید یعقوب بگذارید صحبتشان را بکنند (وزیر معارف) - میدانید که بنده نظامنامه را خوب حفظ هستم در نظامنامه قید شده است وقتی ناطقی صحبت میکند کسی نباید نوی نطقی او برود و در وسط حرف او حرف بزند اعم از اینکه ناطق و کابل باشد یا وزیر عالی حال عقیده دارم پیشنهاد دهنده خانم جله پیشنهاد خود را مسترد بنماید ناقصه نظر سابقه و عدم سابقه معلوم شود دادگر - آقا سید یعقوب تنها با پروگرام مخالف بودند و تصور میکنم کسی دیگر مخالف نیست ولی اگر مذاکره روی سابقه باشد بنده هم عقیده دارم معلوم شود آقا سید یعقوب پیشنهادی تقدیم کرد مبنی بر اینکه به پروگرام دولت رای مثبت گرفته شود رئیس - آقا سید یعقوب پیشنهادی تقدیم کرد مقصود از رای مثبت چیست توضیح بدهید آقا سید یعقوب بنده اگر خارج از موضوع بشوم رئیس مجلس حق دارد به من اظهار کند (یکی از وکلای بنده) نیست (خیر همیشه منظور است مجلس شورای ملی است آنچه آقای موافق الملک است حق ندارید حرف بزنید - بله بنده کتیب در مجلس خصوصی که رای اعتماد میدادند میخواستم مخالفت کنم این حق را ندادند که حرف بزنم رئیس - این توضیح مقصود شما را می رساند آقا سید یعقوب - رای مثبت گرفته شد - رئیس مقصود چیست (بعضی از وکلای رای اعتماد بگیرد) آقا سید یعقوب بله چکنم تنها هستم ذللم کرده اند (خنده) مقصودم رای اعتماد است در پیشنهاد پروگرام را بردارید بنویسند دولت رای گرفته شود دادگر پیشنهاد کرد بحفظ سابقه رای گرفته شود رئیس - نمی شود رای گرفت به پیشنهاد آقا سید یعقوب رای میگیریم اگر رد شد نظر شما ناامین است شیروانی - پیشنهاد آقا سید یعقوب خوانده شود رئیس - پیشنهاد آقا سید یعقوب راجع به رای اعتماد است اگر پیش نهاد ایشان تصویب شد رای اعتماد گرفته می شود دقتی - اصطلاحاتی بین هیئت دولت و مجلس است آقا سید یعقوب البته حق ندارند این اعتراض را بکنند که پروگرام سابق را دولت باید ببرد و پروگرام جدید بیاورد ولی نکته که محل اختلاف است این است که پروگرام مطرح بود یا نشود - بنده با دولت مخالف نیستم ولی این عقیده را دارم که پروگرام باید مطرح شود - پروگرام رای گرفته شود سابقه هم این بوده است مدرس - مسئله کم کم نظری شده است و گفته می شود که اگر دولتی آید و گفت پروگرام من پروگرام دولت است پس استیضاح با او و از آن بگذرد یا آن که موردی جدا برای رای اعتماد و عدم اعتماد پیدا می کنند؟ - باید دانست باین دولت رای اعتمادی داده شده است یا خیر؟ (آقا سید یعقوب) - خیر از آن خراسانی - خورتنه ابداری اعتماد داده نشده (مجلس باین دولت با استیضاح یا بسته ها رای داده و دولت هم گفته است پروگرام من همان است باید این قضیه را معلوم کرد؟ بیانات